

بررسی ارکان خانواده با تاکید بر حقوق اعضای خانواده از منظر کلام امامیه

نویسندگان: خانم شورگشتی^۱، علی اقبالی^۲، خانم میرزابابایی^۳

چکیده:

«خانواده» از ابتدای تاریخ تاکنون به عنوان اصلی‌ترین نهاد اجتماعی، زیربنای جوامع و خاستگاه فرهنگ‌ها، تمدن‌ها و تاریخ بشر بوده است. دین اسلام به عنوان مکتبی انسان‌ساز، بیشترین توجه را به والایی خانواده دارد؛ از این رو، این نهاد مقدس را کانون تربیت می‌شمرد. نیک‌بختی و بدبختی جامعه انسانی را نیز به صلاح و فساد این بنا وابسته می‌داند و هدف از تشکیل خانواده را تأمین نیازهای عاطفی و معنوی انسان از جمله دستیابی به آرامش برمی‌شمارد.

در این نوشتار مشخص شده است که تمامی افراد خانواده بر یکدیگر حقی دارند که حقوق اختصاصی زن هم که همان حقوق مالی وی می‌باشد شامل حق نفقه و حق مهریه شد و حقوق اختصاصی مرد حق خروج زن با اذن شوهر از منزل و حق مدیریت خانواده شد.

حقوق فرزندان هم به دو شاخه حقوق اخلاقی و معنوی و حقوق مالی تقسیم گردید که حقوق اخلاقی و معنوی شامل گذاردن نام نیک بر او، تلاش در جهت تربیت دینی او، تأمین نیازهای عاطفی او، به ازدواج درآوردنش در سن بلوغ شد حقوق پدر و مادر هم شامل احسان به آن‌ها و اطاعت از ایشان گردید؛ بنابراین نوشتار واضح گردید که تمامی افراد خانواده بر یکدیگر حقی دارند که لازمه رسیدن خانواده به کمال و سعادت این است که حقوق یکدیگر را رعایت نمایند.

واژگان کلیدی:

اسلام، کلام امامیه، زن، شوهر، فرزند؛ حق، حقوق متقابل

¹ حمیده شورگشتی، دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، پردیس فارابی، shoorgeshte.quran@gmail.com

² علی اقبالی، دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران، پردیس فارابی، Ali.eghbali@ut.ac.ir

³ زهرا میرزابابایی، دانشجوی کارشناسی دانشگاه تهران، پردیس فارابی، zahramirzababae@ut.ac.ir

مقدمه

چنان که گذشت، اسلام برای ازدواج اهداف و آثاری بیان کرده است. برای تحقق این اهداف، همه اعضای خانواده، مسئولیت‌های ویژه یا مشترکی دارند و باید روابط خود با سایر اعضا را به گونه‌ای تنظیم کنند که تا حد توان به اهداف و آثار موردنظر اسلام در خانواده، دست یابند. در این گفتار به مسئولیت‌ها و گونه‌های روابط در خانواده پرداخته می‌شود که در واقع ارکان خانواده از دیدگاه اسلام به شمار می‌روند (سالاری فر، ۱۳۸۸).

بیان مسئله

همان طور که استحضار داریم در اسلام برای ازدواج اهداف والایی در نظر گرفته شده است؛ که برای رسیدن به این اهداف هر یک از اعضای خانواده ملزم به اجرای مسئولیت‌های خاص خود هستند؛ که این مسئولیت‌ها و گونه‌های روابطی به عنوان ارکان خانواده خواهند بود.

از وظایف همسران در قبال هم پاسخ به نیازهای یکدیگر است تا زمینه‌های رشد و شکوفایی یکدیگر را در ابعاد گوناگون فراهم آورند. دستیابی به این هدف یعنی رشد و شکوفایی نیازمند آرامش و فضای سرشار از محبت دوجانبه است. محیطی که در آن تندخویی، بی‌احترامی، بی‌مهری، جروبحث، بدنامی، تحقیر و آزار یکدیگر وجود نداشته باشد خداوند کانون خانواده را، کانون آرامش و محبت معرفی نموده. وظیفه زن و مرد این است که قدر این آرامش خدادادی را بدانند و با ابراز محبت و دوستی آن را بیشتر نمایند. علاقه و دل‌بستگی زوجین نسبت به یکدیگر و نثار خالص‌ترین عشق و محبت از مهم‌ترین عوامل سرزندگی خواهد بود.

از نظر اسلام نیز مهم‌ترین ارکان استحکام خانواده «مودت» و «رحمت» میان زن و مرد است. "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ." (سوره روم، آیه 21) و از نشانه‌های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان محبت و رحمت قرار داد؛ به یقین در این نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

در این مقاله با اشاره به حقوق مشترک زن و شوهر در ارتباط با یکدیگر و همچنین در ارتباط با فرزندانشان و همچنین با اشاره به حقوق والدین ارکان خانواده را پدر، مادر و فرزندان دانسته و به حقوق آن‌ها اشاره کرده است.

ورود به مسئله:

حقوق مشترک زن و شوهر

1- برخورداری از اخلاق خوش

یکی از حقوق مشترک زن و شوهر این است که در رفتار با یکدیگر اخلاقی خوش و پسندیده داشته باشند. امام سجاد (ع) در ضمن فرمایشاتی که در مورد حق همسر دارند به این نکته اشاره و می‌فرمایند: "ووجب ان يحسن

صحة نعمة الله و يكرمها و يرفق بها." (حیدری نراقی، 1378) بر تو واجب است در معاشرت با او خوش رفتاری و رفق پیشه کنی. همان طور که از این روایت برمی آید حضرت داشتن اخلاق نیکو در برابر همسر را مخصوص به مرد یا زن به تنهایی نمی کنند بلکه هر دوی آنها را موظف به داشتن رفتار خوب با همسر می نمایند.

پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره می فرماید: "أَلَا خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِنِسَائِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِنِسَائِي" (شیخ صدوق، 1413ق) ممتازترین و بهترین شما کسی است که بر همسر خود مهربان تر باشد و این را بدانید که من مهربان ترین شما بر خانواده ام می باشم. از آنجا که به فرموده قرآن پیامبر (ص) اسوه حسنه برای مردم هستند، در مورد شیوه رفتار با همسر علاوه بر اینکه آنها را به داشتن اخلاق نیکو در برابر همسر دعوت می کنند، خودشان نیز این مطلب را اعلام می کنند که ایشان خوش اخلاق ترین و مهربان ترین فرد نسبت به همسرشان می باشند، بنابراین شایسته است کسانی که پیغمبر (ص) را الگوی خود می دانند به این رفتار پیامبر (ص) تاسی نمایند.

در روایت جالب دیگری که از ایشان نقل شده می فرماید: "أَحْسَنُ النَّاسِ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا وَ أَلَطْفُهُمْ بِأَهْلِهِ وَ أَنَا أَلَطْفُكُمْ بِأَهْلِي" (شیخ حر عاملی، 1414ق) بهترین مردم از جهت ایمان کسی است که دارای اخلاق اسلامی بوده و به خانواده اش مهربان تر باشد و من از همه شما به خانواده ام مهربان ترم. در این روایت حسن خلق و نوازش خانواده در کنار یکدیگر قرار گرفته و جزء ایمان به حساب آمده اند (بابزاده، 1375)؛ بنابراین کسی که می خواهد ایمان کاملی داشته باشد باید ابتدا رفتارش را تصحیح و آن را نیکو گرداند.

از جمله آثار نیکویی که اخلاق خوش به همراه دارد می توان به این موارد اشاره کرد:

1-1- فرد خوش اخلاق از آرامش خاصی برخوردار است و این آرامش را به دیگران نیز منتقل می کند، اما فردی که بداخلاق است نه تنها باعث شکنجه و رنجش خود می شود بلکه موجبات ناراحتی دیگران را نیز فراهم می کند.

2-1- خوش اخلاقی باعث جلب محبت سایرین می شود و دوستی ها را زیاد می کند و چنین کسی در بین دیگران عزیز است، اما بداخلاقی خشم دیگران را برمی انگیزاند و موجب می شود سایرین از فرد کینه و کدورت به دل گیرند و موجب ذلت فرد در میان دیگران می شود.

3-1- انسان خوش اخلاق به خداوند نزدیک تر است، زیرا انسان در موقع عصبانیت عنان زبان را از دست می دهد و گناہانی از قبیل دشنام، تهمت و... را مرتکب می شود.

4-1- خوش اخلاقی سبب ماندگاری سایر نیکی ها می شود اما بداخلاقی موجب می گردد اگر انسان کار خوبی در حق دیگران انجام داده به سبب همان اخلاق تند و ناپسند به فراموشی سپرده شود.

5-1- خوش اخلاقی و نرمی در گفتار باعث می شود انسان به راحتی در دیگران اثرگذار باشد و زمینه را برای پذیرش نظرش از سوی سایرین فراهم می کند. فرهنگ قرآن نیز این مسئله را تایید می کند. خداوند خطاب به حضرت موسی در مورد دعوت کردن فرعون به کارهای شایسته می فرماید که با فرعون به نرمی

سخن بگویند، در این صورت شاید متذکر شود و یا از خداوند بترسد؛⁴ اما انسان بد اخلاق نمی تواند تأثیری در دیگران بگذارد.

با این نکات ضرورت داشتن اخلاق خوش به ویژه در خانواده روشن گردید.

2- حفظ عفت

از جمله مسائلی که مهر و صفای زن و شوهر را به یکدیگر افزون و بنیان خانواده را مستحکم می سازد این است که آن ها، حریم عفاف و ارزش های خانوادگی را حفظ کنند (یوسفیان، 1387). قرآن کریم برای حفظ کیان خانواده و مستحکم شدن پایه های آن، راهکارهای جداگانه ای را به زنان و مردان می دهد تا با رعایت آن ها حریم عفت خانواده مصون بماند.

خداوند در آیه 31 سوره نور ابتدا دستوراتی به مردان می دهد و می فرماید: " قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ؛ به مؤمنان بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فروگیرند و فروج خود را حفظ کنند، این برای آن ها پاکیزه تر است، خداوند از آنچه انجام می دهید آگاه است." دو راهکاری که خداوند در این آیه، در جهت پاسداشت حریم خانواده به مردان می دهد عبارت اند از:

1-2- حفظ نگاه: "یعضوا" از ماده "غض" (بر وزن خز) در اصل به معنی کم کردن و نقصان است و در بسیاری

از موارد در کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه گفته می شود، بنابراین آیه نمی گوید مؤمنان باید چشم هایشان را فروبندند، بلکه می گوید باید نگاه خود را کم و کوتاه کنند و این تعبیر لطیفی است به این منظور که اگر انسان به راستی هنگامی که با زن نامحرمی روبرو می شود بخواهد چشم خود را به کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برای او ممکن نیست، اما اگر نگاه را از صورت و اندام او بر گیرد و چشم خود را پائین اندازد گویی از نگاه خویش کاسته است و آن صحنه ای را که ممنوع است از منطقه دید خود به کلی حذف کرده است (مکارم شیرازی و دیگران، 14ه).

2-2- حفظ دامان: خداوند علاوه بر حفظ نگاه، خواهان حفظ دامان توسط مردان است. از این مسئله شاید این

نکته به دست آید که رعایت حجاب فقط از سوی بانوان نیست بلکه مردان نیز باید مواضع شهوت برانگیز خود را از دید نامحرمان حفظ نمایند تا جلو مفسدتی که ریشه در این گونه شهوت دارند گرفته شود و به رشد جامعه کمک بشود.

در آیه 32 سوره نور خداوند راهکارهایی را نیز به زنان می دهد تا با رعایت آن ها نه تنها حریم خانواده حفظ شود بلکه سبب گردد جامعه ای پاک ایجاد شود که جز به رشد و ترقی به چیز دیگر نیندیشد.

⁴ آیه 44 سوره طه، فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى .

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلَا يَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ؛ و به زنان باایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که ظاهر است آشکار نمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و زینت خود را آشکار نسازند مگر برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پسرانشان یا پسرانشان یا پسران همسرانشان یا برادرانشان یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیشانشان یا بردگانشان (کنیزانشان) یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند، آن‌ها هنگام راه رفتن پای‌های خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود. (و صدای خلخال که بر پادارند به گوش رسد) و همگی به‌سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید.

2-2-1- مسائلی که زنان باید در جهت حفظ عفت مراعات نمایند این نکات است:

2-2-1-1- پوشاندن زیورآلات خود از دید نامحرمان: آن‌ها نباید زینت خود را آشکار سازند جز آن مقدار

که طبیعتاً ظاهر است " (و لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا)

2-2-1-2- پوشاندن برآمدگی سینه با مقنعه: آن‌ها باید خمارهای خود را بر سینه‌های خود بیفکنند " (و)

لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ)

2-2-1-3- جلب‌توجه نکردن هنگام راه رفتن: آن‌ها به هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا

زینت پنهانی‌شان دانسته شود " (و صدای خلخالی که بر پادارند به گوش رسد) (و لَا يَضْرِبْنَ

بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ).

بنابراین آن‌ها در رعایت عفت و دوری از اموری که آتش شهوت را در دل مردان شعله‌ور می‌سازد و ممکن است منتهی به انحراف از جاده عفت شود، آن‌چنان باید دقیق و سختگیر باشند که حتی از رساندن صدای خلخالی را که در پای دارند به گوش مردان بیگانه خودداری کنند و این گواه باریک‌بینی اسلام در این زمینه است (مکارم شیرازی و دیگران، 14ه).

بنابراین با اجرای این دستورات قرآنی باید زن و مرد هر چه بیشتر عفت خود را حفظ و موجبات مستحکم‌تر شدن پایه‌های زندگی مشترکشان را فراهم سازند.

2-2-2- حفظ عفت در زندگی مشترک آثار سازنده‌ای را به دنبال دارد از قبیل:

2-2-2-1- عفت، موجب حفظ انسان از سایر پستی‌ها می‌شود. در صورت نبود عفت انجام گناهان برای شخص راحت می‌شود. گناهای همچون نگاه به نامحرم، دوستی با جنس مخالف، روابط جنسی نامشروع از قبیل زنا و هم‌جنس‌بازی؛ بنابراین زن و شوهری که عفت خود را حفظ می‌کنند، گناهای از این قبیل را مرتکب نمی‌شوند و این می‌تواند عاملی برای تحکیم زندگی مشترکشان باشد؛ زیرا در زندگی که یکی از زوجین به دلیل عدم حفظ عفت خویش، این امور گناهان را انجام می‌دهد، همسرش را نسبت به ادامه زندگی دلسرد کرده و چه بسا منجر به جدایی آن‌ها از یکدیگر بشود.

2-2-2-2- اگر زن یا شوهر عفت خود را حفظ کنند این موجب می‌شود که طرف مقابلش نیز عفت خود را حفظ کند. گاهی در جامعه دیده می‌شود که زن یا مردی که به دلیل عدم حفظ عفت، به روابط با جنس مخالفش پرداخته است، این موضوع مجوزی برای طرف مقابل محسوب شده و او نیز به این کار روی آورده است.

2-2-2-3- عفت نه تنها در زندگی مشترک زوجین تأثیر مستقیم دارد، بلکه در زندگی اجتماعی نیز اثرگذار است. عفت سبب می‌شود نوعی امنیت اجتماعی در جامعه حاکم شود و افراد با آرامش خاطر به فعالیت‌های اجتماعی خود بپردازند.

از این جا ضرورت تاکیدات قرآن پیرامون حفظ عفت روشن می‌شود؛ بنابراین بر زن و مرد واجب است تا با حفظ عفت خویش قدمی در راه محکم‌تر کردن پایه‌های زندگی مشترکشان بردارند.

3- رعایت آراستگی ظاهری مقابل یکدیگر

3-1- یکی دیگر از حقوق مشترک زوجین که باید نسبت به هم رعایت کنند، حفظ زیبایی و آراستگی‌شان در برابر هم می‌باشد. این موضوع تأثیر مستقیم در حفظ عفت همسر و محفوظ ماندن حریم خانواده از فروپاشی دارد. اگر همسری به آراستگی ظاهر خود در مقابل همسرش اهمیت ندهد زمینه را برای دلسرد کردن او نسبت به خودش و گرایش به زنان یا مردان دیگری که با حفظ آراستگی و زیبایی خود در جامعه حضور می‌یابند فراهم کرده که در نهایت منجر به فروپاشی کانون گرم خانواده می‌شود. از این روست که معصومین (ع) به مردان و زنان سفارش به این امر مهم کرده‌اند. در روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده ایشان فرمودند: "لِيَتَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ لِزَوْجَتِهِ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَتَهَيَّأَ لَهُ؛ هر شوهری موظف است نسبت به همسرش آراستگی نماید، به همان‌گونه که دوست دارد همسرش را با آن قیافه ببیند (نوری، بی‌تا)."

بنابراین روایت رعایت آراستگی فقط به زنان اختصاص ندارد بلکه مردان نیز باید این امر مهم را رعایت کنند.

در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده که فرمودند: "لَا يَنْبَغِي لِلْمَرْأَةِ أَنْ تَعَطِّلَ نَفْسَهَا وَ لَوْ تَعَلَّقُ فِي عُنُقِهَا قِلَادَةً؛ در هیچ شرایطی برای زن سزاوار نیست خود را فراموش نموده و بدون زینت و آرایش باشد، اگرچه با گردنبندی خود

را زینت نماید (کلینی، 1407ق) طبق این روایت زن باید در تمام اوقات آراستگی خود را برای شوهرش حفظ نماید و سزاوار نیست بدون رعایت این مسئله نزد شوهرش حاضر شود، نکته جالب اینکه لازمه آراستگی، استفاده از وسایل آرایشی گران قیمت نیست بلکه می توان از یک گردنبنده ساده برای آراستگی خود استفاده کرد.

از دیگر موارد آراستگی می توان به این موارد اشاره کرد:

1- استفاده از عطر و بوی خوش: بر زن و شوهر لازم است که همیشه از عطر استفاده کنند. در تاریخ اسلام

آمده که پیامبر (ص) وقتی از کوچهای عبور می کردند تا مدتی بوی عطر ایشان در آن باقی می ماند به طوری که هر کس بعد ایشان از آن مسیر می گذشت متوجه می شد پیغمبر (ص) از آنجا عبور کرده است. این موضوع اهمیت استفاده از بوی خوش را روشن می کند زیرا پیامبر (ص) به فرموده قرآن برای مردم اسوه حسنه هستند.⁵ مسأله استفاده از عطر برای زن و شوهر از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

2- رعایت پاکیزگی و بهداشت: همسران لازم است همیشه پاکیزگی و بهداشت خود را رعایت نمایند؛ زیرا

عدم رعایت برخی نکات، نفرت انگیز است و شایسته نیست که زن و مرد با عدم حفظ پاکیزگی نفرت یکدیگر را بخرند که در این صورت پیامدهای بسیار بدی را برای آنها در پی دارد و تهدیدکننده آینده زندگی مشترکشان خواهد بود. از مصادیق پاکیزگی می توان به این موارد اشاره کرد:

الف) مسواک زدن: این امر دارای فایده های بسیاری است به طوری که در روایت چنین آمده: "اگر مردم نتایج

و خواص مسواک کردن را بدانند هیچ گاه مسواک را از خود جدا نمی کنند." در مسواک زدن دوازده فایده وجود دارد: 1. از سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است، 2. دهان را پاکیزه می کند، 3. نور چشم را زیاد می کند، 4. باعث خشنودی خداوند است، 5. دندانها را سفید می کند، 6. پوسیدگی آنها را از بین می برد، 7. لثه را محکم می سازد، 8. اشتها آور است، 9. بلغم را می برد، 10. حافظه را زیاد می کند، 11. حسنت دوچندان می شوند، 12. فرشتگان شاد می گردند.⁶

پس ناپسند است، زن و شوهر که در کنار هم قرار می گیرند از بوی بد دهان یکدیگر اذیت شوند. اگر بتوانند ناراحتی شان را بیان کنند که مشکل راحت تر حل می شود، در غیر این صورت سبب می شود به ندرت از هم فاصله بگیرند؛ زیرا بوی بد دهان از جمله چیزهایی است که همگان از آن بیزارند.

ب) حمام کردن: حمام علاوه بر فایده هایی که برای خود فرد دارد، بوی بد عرق بدن را که سبب آزار دادن

دیگران می شود، از بین می برد. امام علی (ع) در روایتی فرمودند: "تَنْظَفُوا بِالْمَاءِ مِنَ النَّتَنِ الرَّيْحِ الَّذِي يُتَأَذَى بِهِ وَ

⁵ آیه 21 سوره احزاب: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ

⁶ امام باقر (ع) فرمودند: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي السُّوَاكِ لِأَبَاتِهِمْ مَعَهُمْ فِي لِحَافٍ (وسایل الشیعه ج 2، ص 13 - بحار الانوار ج 73، ص 130)

⁷ امام صادق (ع): فِي السُّوَاكِ اثْنَا عَشْرَةَ خَصْلَةً: هُوَ مِنَ السَّنَةِ، وَ مَطَهْرَةٌ لِلْفَمِ، وَ مَجَلَاةٌ لِلْبَصْرِ وَ يَرْضَى الرَّحْمَنُ، يُبَيِّضُ السِّنَانَ، يَذْهَبُ بِالْحَقْرِ، وَ يَشُدُّ اللَّئِنَةَ وَ يُشَهِّي الطَّعَامَ وَ يَذْهَبُ بِالْبَلْغَمِ وَ يَزِيدُ فِي الْحِفْظِ، وَ يُضَاعِفُ الْحَسَنَاتِ، وَ تَفْرَحُ بِهِ الْمَلَائِكَةُ؛ (خصال ص 481، شبیه این حدیث در محاسن ج 2، ص 562، - کافی ج 6، ص 496 آمده است.)

تَعَهَّدُوا أَنْفُسَكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُبْغِضُ مِنْ عِبَادِهِ الْقَاذِرَةَ الَّتِي يَتَأَنَّفُ بِهِنَّ مَنْ جَلَسَ إِلَيْهِ (ابن بابویه، 1362 ش).⁸ خودتان را با آب، از بوی بدی که دیگران را آزار می‌دهد، پاک کنید و این کار را پیوسته انجام دهید؛ چرا که خداوند، از بنده آلوده‌ای که هر کس با او بنشیند، بینی‌اش را از [بوی بد] او می‌گیرد، نفرت دارد. این روایت بیانگر این مطلب است که اسلام به ظریف‌ترین نکات توجه دارد و چنین دینی قطعاً با جامعیتی که دستوراتش دارد، سعادت دو جهانی را برای رهروانش به ارمغان می‌آورد.

بنابراین باید زن و شوهر به این امر توجه لازم را مبذول دارند.

ج) از بین بردن موهای زائد بدن: یکی دیگر از مصادیق پاکیزگی، زدودن موهای زاید بدن است. از بین بردن این موها در تامین بهتر نیازهای جنسی زن و مرد موثر است و سبب می‌گردد هر دو از عمل جنسی خود رضایت بیشتری داشته باشند و این، عامل داشتن روابط بهتر و گرم‌تر بین همسران می‌شود. در روایات بسیاری به این امر تاکید شده است. چیزی که معصومین (ع) در این زمینه بیشتر به آن پرداخته‌اند، استفاده از نوره است. امام علی (ع) فرمودند: "النُّورَةُ طَهُورٌ" (کلینی، 1407 ق) "نوره بسیار پاک‌کننده است. حتی در مورد زمان استفاده از نوره در منابع دینی آمده است که هر پانزده روز یکبار انجام شود و اگر بیست روز بر انسان گذشت و پولی برای این کار نداشت حتماً پول قرض کند (تا بتواند این کار را انجام دهد)⁸. این امر نشانگر اهمیت این مسأله است که اگر فرد پولی برای تهیه نوره و یا امثال آن نداشته باشد، باید قرض و این نظافت را انجام دهد.

بنابراین بر زن و مردی که می‌خواهند زندگی خوب و بادوام با یکدیگر داشته باشند حفظ آراستگی در مقابل همدیگر یکی از واجبات است.

د) ارضای نیازهای جنسی یکدیگر: یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده آمیزش و تامین نیاز جنسی است. زن و شوهر در تامین و اشباع جنسی یکدیگر لازم است فوق‌العاده هوشیار و دقیق باشند و این خواسته طبیعی را به صورت مطلوب و مشروع جوابگو باشند و از جهت کمی و کیفی طوری رفتار کنند که علاقه و عشق همدیگر را جذب کنند تا عنان قلبشان در اختیار یکدیگر قرار بگیرد و جز همسر، هرگز عشق دیگری را در دل نپروراند زیرا آمیزش و کیفیت مطلوب آن در ازدیاد محبت زن و شوهر خیلی موثر است و در صورتی که این نیاز برآورده نشود قهراً عوارض نامطلوبی را به دنبال خواهد داشت که سرکوفتگی، انحراف و بی‌عفتی، بی‌رغبتی به همدیگر، ستیز و خصومت از آن جمله می‌باشند. (بابازاده، 1375 ش)

بنابراین به خاطر اهمیتی که این موضوع از جنبه‌های مختلف دارد معصومین (ع) توصیه‌هایی را در این زمینه به رهروانشان دارند. به عنوان نمونه رسول خدا (ص) خطاب به زنان فرمودند: "لَا تُطَوِّلْنَ صَلَاتِكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكُنَّ؛ اگر شوهران از همسران خود درخواست جنسی نمایند، زنان چنانچه در حال نماز باشند، نباید آن را طولانی کنند."

⁸ امام صادق (ع): السُّنَّةُ فِي النُّورَةِ فِي كُلِّ خَمْسَةِ عَشْرٍ يَوْمًا فَإِنَّ أُمَّتَ عَلَيكَ عَشْرُونَ يَوْمًا وَ لَيْسَ عِنْدَكَ فَاسْتَقْرِضْ، الكافي، ج 6، ص 506

(حرعاملی، 1414ق) این سخن نشان‌دهنده اهمیت این موضوع است که در صورت نیاز جنسی همسر دیگر نماز طولانی فضیلتی ندارد و چه بسا پاسخ به نیاز همسر از ارزش والاتری برخوردار باشد.

در روایت دیگری امام علی (ع) می‌فرماید: "شَرُّ الزَّوْجَاتِ مَنْ لَا تُؤَاتِي؛ شرورترین و خبیث‌ترین زنان آن همسری است که بد تمکین بوده و تسلیم خواسته‌های شوهرش نباشد (نوری، بی‌تا)."

در فقه اسلامی در راستای ارضای نیازهای جنسی زن به مردان چنین دستور می‌دهد: شوهر نمی‌تواند بیش از چهار ماه نزدیکی با عیال دائمی خود را ترک کند (خمینی، 1378ش). بنا بر مباحثی که ذکر شد بر مرد و زن لازم است در جهت حفظ کانون گرم خانواده نیازهای جنسی یکدیگر را به‌خوبی پاسخ دهند.

حقوق اختصاصی زن

حقوق مالی

الف) حق دریافت مهریه: یکی از حقوق زن که بر عهده شوهر می‌باشد پرداخت مهریه وی است. مهریه عندالمطالبه بوده و به محض درخواست زن بر مرد واجب است که آن را بپردازد.

ب) حق دریافت نفقه: پرداخت نفقه به زن یکی دیگر از حقوق مالی وی است. اگر زن، مرد را تمکین کند به این معنا که نیازهای جنسی او را پاسخ دهد و حقوق اختصاصی‌اش را رعایت نماید، در این صورت بر مرد واجب است که نفقه زن را بپردازد.

نفقه عبارت است از مسکن، پوشاک، غذا و اساس خانه به طور متعارف که با وضعیت زن متناسب باشد خادم در صورت عادت زن به داشتن خادم یا احتیاج او به واسطه مرض یا نقصان اعضا (صافی، 1386).

بنابراین رعایت این حق از وظایف شوهر است. به نظر می‌رسد که توجه به این حق، کانون خانواده را آرام و سالم می‌سازد، سکون و تعادل در زندگی پدید می‌آورد و فرصت بیشتری به زنان برای انجام وظایف طبیعی خود می‌دهد (صافی، 1386).

زنان نیز لازم است توانایی شوهران را از نظر مالی مورد توجه قرار دهند و به گونه‌ای رفتار نکنند که آنان در رنج و فشار قرار گیرنده گرفتار قرض و محدودیت‌های شدید مالی شوند. (صافی، 1386)

در منابع اسلامی آمده است که بابرکت‌ترین زنان، کم نفقه‌ترین آنان است (صافی، 1386). شاید دلیل این مطلب، این نکته باشد زنی که کم‌خرج است شوهرش در تامین نیازهای اقتصادی او با مشکلی مواجه نمی‌شود و در واقع خود زن در نوعی آسایش می‌تواند زندگی کند چون نیازهایش از سوی همسرش برآورده می‌شود.

حق اختصاصی شوهر

الف) خروج زن از منزل با اذن شوهر: یکی از حقوق مرد که بر عهده زن می‌باشد این است که بدون اذن شوهر از منزل خارج نشود. از آنجایی که یکی از وظایف زن ارضای غریزه جنسی شوهر است بنابراین باید هر موقعی که شوهر احساس نیاز کرد زن در کنار او بوده و به نیازش پاسخ دهد. البته نباید مردها از این حق سواستفاده کنند و در حق زن ظلم نمایند، بلکه باید با تفاهم و هم‌فکری با یکدیگر عمل کنند.

ب) مدیریت خانواده: یکی از حقوق اختصاصی شوهر مدیریت خانواده است. در اسلام از آنجا که به دست آوردن مال و اداره زندگی بر عهده مردان است و مرد، مسئول تامین مخارج زندگی است، مدیریت و سرپرستی خانواده نیز بر دوش مردان نهاده شده است. مرد سرپرست خانواده است و وظیفه دارد مخارج همسر و فرزندان را تامین نماید و از دیگر سو موظف است درباره مسائل مهم زندگی خانوادگی تصمیم‌گیری نماید، بی‌آنکه بخواهد خودکامگی کند و مستبدانه رفتار نماید (ایت اللهی، 1391).

در واقع مرد مدیریت امور بیرون از منزل را بر عهده می‌باشد و زن مدیریت امور داخل منزل مانند تربیت فرزندان و رسیدگی به امور آنان را عهده‌دار می‌باشد.

حقوق فرزندان

حقوق اخلاقی و معنوی فرزندان

الف) گذاردن نام نیک بر فرزند: یکی از حقوقی که فرزندان بر پدر و مادر دارند این است که نام نیک برایشان انتخاب نمایند. نام‌های فرزندان، معرف عشق و علاقه والدین نسبت به این اسم‌ها و صاحبان آنها می‌باشد. نام‌گذاری فرزند نشان‌دهنده راه و خط و فکر پدران و مادران است و به این وسیله هدف و مسیر فکری خود را به دیگران نشان می‌دهند (بابازاده، 1375).

نام‌گذاری ممکن است در نظر بعضی، امر ساده‌ای باشد در حالی که چنین نیست. نام، چیزی است که هر روز بارها انسان با آن مخاطب می‌شود و طبعاً اثر تلقینی دارد. اگر به فرض، پدر نام «ظالم» بر پسر بگذارد و هر روز او را به این نام خطاب کنند اگر روح ستمگری بر او غالب شود جای تعجب نیست؛ و به عکس اگر نام محسن و حسن یا حسین بر او نهند و همواره آن را در خطابات تکرار کنند حقیقت نیکوکاری به تدریج در او راسخ می‌شود. همچنین نام عبدالله و عبدالرحیم و عبدالرحمان که همگی حکایت از عبودیت انسان در برابر خدا دارد. (مکارم شیرازی، بی‌تا)

حضرت علی (ع) گذاردن نام نیک بر فرزند را از وظایف والدین می‌داند و می‌فرماید: "حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ؛ حق فرزند بر پدر این است که نام نیک برایش انتخاب کند." (سید رضی، بی‌تا)

در روایت دیگری رسول خدا (ص) در مورد اهمیت گذاشتن نام نیک بر فرزند فرمودند: "اسْتَحْسِنُوا أَسْمَاءَكُمْ فَإِنَّكُمْ تَدْعُونَ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ قُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ إِلَى نُورِكَ وَ قُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ لَأَنْ نُورَ لَكَ؛ برای فرزندان نام نیکو انتخاب کنید چون روز قیامت با آن نامها خوانده می‌شوید (که صدا می‌رسد): ای فلانی پسر فلانی بر خیز به سوی

نورت، ای فلانی فرزند فلانی تو برخیز نوری نداری (کلینی، 1407ق). " بنابراین نام فرزند نه تنها در این دنیا بلکه در آخرت هم اثر دارد پس سزاوار است پدر و مادر نامی را برای فرزند انتخاب کنند که هم در دنیا و هم در آخرت باعث سر بلندیشان باشد.

امام کاظم (ع) در اینکه نام کودک چگونه باشد فرمودند: " لَا يَدْخُلُ الْفَقْرُ بَيْتًا فِيهِ اسْمُ مُحَمَّدٍ أَوْ أَحْمَدَ أَوْ عَلِيٍّ أَوْ الْحَسَنِ أَوْ الْحُسَيْنِ أَوْ جَعْفَرٍ أَوْ طَالِبٍ أَوْ عَبْدِ اللَّهِ أَوْ فَاطِمَةَ مِنَ النِّسَاءِ؛ در خانه‌ای که نام محمد یا احمد یا علی یا حسن یا حسین یا جعفر یا طالب یا عبدالله یا فاطمه از بین زنان باشد فقر وارد نمی‌شود. " (کلینی، 1407ق)

بنابراین روایت نام کودک اثر دنیایی مثل فقیر نشدن را به دنبال دارد، پس حق کودک است که پدر و مادر نامی بر وی بگذارند که آثار نیکوی دنیایی و آخرتی آن شامل حال آنان بشود.

ب) تلاش در جهت تربیت دینی نیکو: یکی دیگر از حقوق فرزند این است که پدر و مادر سعی نمایند که او را به بهترین نحو تربیت کنند. امام سجاد (ع) در ضمن بیان حق فرزند فرمودند: " أَنْتَ مَسْئُولٌ عَمَّا وَلَيْتَهُ مِنْ حُسْنِ الْأَدَبِ وَالِدَلَالَةِ عَلَى رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْمَعُونَةِ عَلَى طَاعَتِهِ فَيْكَ وَفِي نَفْسِهِ؛ تو مسئولیت سرپرستی او را از حسن تربیت و راهنمایی او بر خدای عزوجل و کمک او بر طاعت و فرمانبرداری خدا در مورد تو و در مورد خودش به عهده‌داری (حیدری نراقی، 1387). " بنابر سخن امام سجاد (ع) تنها تربیت صحیح کودک، تربیت دینی وی است و پدر و مادر باید بکوشند تا زمینه را برای اطاعت فرزند از دستورات الهی فراهم نمایند.

امام علی (ع) نیز در این زمینه فرمودند: " وَ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ، وَ يُحَسِّنَ أَدَبَهُ وَ يَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ؛ حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برایش انتخاب نماید و نیکو ادبش کند و او قرآن بیاموزد. " (سید رضی، بی‌تا)

شاید بتوان از این روایت چنین برداشت کرد که آموزش قرآن به کودک به تربیت نیکوی وی کمک می‌کند، در وصیت‌هایی که رسول خدا (ص) به حضرت علی (ع) دارند چنین آمده است: " يَا عَلِيُّ حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَالِدِهِ أَنْ يُحَسِّنَ اسْمَهُ وَ أَدَبَهُ وَ يَضَعَهُ مَوْضِعاً صَالِحاً؛ یا علی حق فرزند بر پدرش این است که نام نیکو برایش انتخاب کند و نیکو ادبش کند و او را در جایگاه صالحی قرار دهد (حرعاملی، 1414ق). "

اینکه به تربیت نیکوی فرزند تاکید شده به خاطر این مطلب است که روح و ذهن انسان در کودکی بسیار تأثیرپذیر است و طبق حدیث معروف، علم در «صغر» همچون نقش بر «حجر» است و بسیار پررنگ و پردوام خواهد بود. از این رو اگر پدر و مادر در تعلیم و تربیت فرزند کوتاهی کنند خسارت عظیمی، هم دامان پدر و مادر را می‌گیرد و هم فرزند را، به خصوص اگر وسوسه‌های شیطانی بر فرزند غلبه کند یا افراد ناباب یا رسانه‌های آلوده با آن‌ها ارتباط برقرار کنند و تعلیمات زشت و ناپسند خود را در روح کودک فروریزند. (مکارم شیرازی، بی‌تا)

دلیل تاکید بر آموزش قرآن به فرزند از بین سایر تعلیمات هم این نکته است که قرآن مجموعه بی‌ظییری است که تمام درس‌های زندگی مادی و معنوی در آن جمع است. توحید و معاد به صورت گسترده در آن تجلی می‌کند،

بخش مهم احکام الهی در آن بیان شده و دستورات اخلاقی‌اش فوق‌العاده مؤثر و پربار است و تاریخ عبرت‌انگیز انبیاء پیشین نیز در جای‌جای آن دیده می‌شود. آری باید قبل از هر چیز به فرزندان قرآن تعلیم داد. (مکارم شیرازی، بیتا)

بنابر این مباحث بر پدر و مادر لازم است که تمام تلاششان را در راه تربیت دینی فرزندان به کار گیرند و در این راه به خداوند و معصومین (ع) متوسل بشوند از آن‌ها مدد بخواهند.

ج) تامین نیازهای عاطفی فرزندان: روانشناسان سال‌های نخستین عمر آدمی را دوران سرنوشت‌ساز می‌دانند و برآنند که اولین پایه‌های سعادت و شقاوت انسان در این مرحله و به ویژه در شش سال اول نهاده می‌شود. به همین دلیل توجه به نیازهای کودک در سنین قبل از دبستان اهمیت بیشتری دارد. بیشتر کودکانی که در سال‌های نخستین زندگی از محبت مناسب برخوردارند، به درجات بالایی در زندگی می‌رسند و برعکس، کسانی که در این مرحله از نظر عواطف و محبت اشباع نمی‌شوند، حتی در سنین بعدی عمر، خود را بی‌کس و تنها احساس می‌کنند (یوسفیان، 1387).

از این رو در روایات به تامین نیازهای عاطفی فرزندان تاکید شده است. به‌عنوان نمونه به موارد زیر اشاره می‌شود.

1- نگاه بامحبت به فرزند: امام صادق (ع) فرمودند: "إِنَّ اللَّهَ لَيَرَحِمُ الْعَبْدَ لِشِدَّةِ حُبِّهِ لَوْلَاكَ؛ خداوند بر پدر رحمت می‌فرستد به خاطر شدت محبت به فرزندش." (کلینی، 1407ق) در روایت زیبایی دیگری که از رسول خدا (ص) نقل شده ایشان فرمودند: «نَظَرُ الْوَالِدِ إِلَى وَكْدِهِ حُبًّا لَهُ عِبَادَةً» نگاه پدر به فرزندش به خاطر عشق و دوست داشتن او عبادت است. " (نوری، بیتا)

در واقع نه تنها محبت به فرزند تاثیر فراوانی در رشد شخصیت او دارد بلکه برای خود پدر و مادر هم اثر دارد و باعث قرب آن‌ها به پروردگار می‌شود، در روایتی دیگر که از ایشان نقل شده فرمودند: "إِذَا نَظَرَ الْوَالِدُ إِلَى وَكْدِهِ فَسَرَّهُ كَانَ لِلْوَالِدِ عِتْقٌ نَسَمَهُ؛ پدری که با چشم مهر و محبت به فرزند خود می‌نگرد با نگاه گرم و پرعطوفت خویش او را شاد و مسرور می‌نماید، خداوند به آن پدر در مقابل این عمل اجر یک بنده آزاد کردن خواهد داد." (مجلسی، 1315ق)

بنابراین نگاه بامحبت به فرزند علاوه بر اینکه عبادت است، با هر نگاه ثواب یک بنده آزاد کردن به وی داده خواهد شد، این‌ها همه به خاطر تاثیر فوق‌العاده نگاه محبت‌آمیز بر روی فرزند است که معصومین با ذکر این موارد خواسته‌اند تا والدین به این امر مهم توجه بیشتری داشته باشند.

2- بوسیدن فرزند: در روایات به بوسیدن فرزند تاکید شده است. رسول خدا (ص) فرمودند: "مَنْ قَبَّلَ وَكْدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً؛ هر کس فرزندش را ببوسد خداوند عزوجل برایش حسنه می‌نویسد." (کلینی، 1407ق)

در روایت دیگر فرمودند: "قبلوا أولادكم فإن لكم بكل قبلة درجة في الجنة؛ فرزندان خود را بسیار ببوسید؛ زیرا برای شما در هر بوسیدن، درجه‌ای در بهشت است." (طبرسی، 1370ش)

در مورد ایشان چنین وارد شده: "كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص يُقْبَلُ (الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ) ع فَقَالَ الْأُقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ إِنَّ لِي عَشْرَةً مِنَ الْوَلَدِ مَا قَبِلْتُ أَحَدًا مِنْهُمْ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص مَنْ لَا يَرْحَمُ لَا يُرْحَمُ؛ پیامبر صلی الله علیه و آله حسن و حسین علیهما السلام را بوسید. اقرع بن حابس که ناظر محبت پیامبر نسبت به فرزندان خود بود، عرض کرد: «من ده فرزند دارم و هرگز آنان را نبوسیده‌ام». حضرت فرمود: کسی که رحم و محبت نداشته باشد، خداوند به او رحم نمی‌کند." (حرعاملی، 1414ق)

بنابر روایات ذکر شده بوسیدن یکی دیگر از مصادیق برآوردن نیازهای عاطفی فرزندان می‌باشد.

د) به ازدواج درآوردن فرزندان در سن بلوغ

یکی دیگر از حقوق فرزندان این است که وقتی به سن بلوغ می‌رسند پدر و مادر تلاش نمایند تا او ازدواج کند و آن‌ها شرایط این امر را فراهم سازند. این موضوع سبب می‌شود که از منحرف شدن و به بیراهه رفتن فرزندان جلوگیری شود، رسول خدا (ص) در این باره فرمودند: "مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلَى وَالِدِهِ... وَيُزَوِّجُهُ إِذَا بَلَغَ؛ از حق فرزند بر پدرش این است که وقتی به حد بلوغ رسید وسایل ازدواجش را فراهم سازد." (حرعاملی، 1414ق) بنابراین پدر و مادر باید فرزند را در سن بلوغ به ازدواج در بیاورند.

حقوق مادی فرزندان

در کانون خانواده پدر موظف است نیازهای مادی فرزندان را از قبیل غذا، مسکن، لباس، بهداشت، طبابت... مادامی که در دوران کودکی به سر می‌برند و توانایی کار و کوشش را ندارند، تامین نماید و دوران جوانی و بزرگسالی نیز چنانچه پدر متمکن و ثروتمند باشد فرزندان در فقر و پریشانی به سر برند بر پدر واجب است به اندازه امکاناتش احتیاج اولادش را برطرف نماید (بابازاده، 1375).

حقوق والدین

الف) احسان به پدر و مادر دار: در آیه 23 و 24 سوره اسرا به این موضوع اشاره شده است. وَ قَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبْلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَ لَا تَنْهَرُهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا. وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ پروردگارت فرمان داده جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید، هرگاه یکی از آن‌ها- یا هر دو آن‌ها- نزد تو، به سن پیری برسند کمترین اهانتی به آن‌ها روا مدار و بر آن‌ها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده بزرگوارانه به آن‌ها بگو. بالهای تواضع خویش را در برابرشان از محبت و لطف فرود آر و بگو پروردگارا همان‌گونه که آن‌ها مرا در کوچکی تربیت کردند مشمول رحمتشان قرار ده. در این آیات دستور به احسان والدین بعد از دستور به پرستش خداوند آمده است. نکات جالبی که در آیه به آن‌ها

اشاره شده مانند حفظ احترام آن‌ها در زمان پیری، سخن لطیف و سنجیده گفتن با آن‌ها و تواضع و فروتنی در مقابل آن‌ها همه نشان از اهمیت احسان به والدین در نزد پروردگار دارد.

در روایتی از رسول خدا (ص) چنین آمده است: " مَنْ أَصْبَحَ مَرَضِيًّا لِأَبَوَيْهِ أَصْبَحَ لَهُ بِأَبَانٍ مَفْتُوحَانٍ إِلَى الْجَنَّةِ وَإِنْ كَانَ وَاحِدًا مِنْهُمَا فَبَابٌ وَاحِدٌ؛ کسی که صبح کند در حالی که پدر و مادر از او راضی باشند دو درب از درب‌های بهشت برایش باز می‌شوند. " (نوری، بیتا)

در روایت دیگری آمده است که مردی از پیامبر (ص) پرسید که حق پدر بر فرزندش چیست؟ ایشان فرمودند: " مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ قَالَ لَا يُسَمِّيهِ بِاسْمِهِ وَلَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَلَا يَسْتَسَبُّ لَهُ، او را به اسم نخواند، و در راه رفتن پیشاپیش او نرود در نشستن پیش روی او ننشیند کاری نکند که مردم به پدرش ناسزا گویند. " (حرعاملی، 1414ق) بنابر آیات و روایات بیان شده، بر فرزندان لازم است که به پدر و مادر خویش نیکی نمایند، این نیکی از سخن زیبا و متواضعانه گفتن و در برابر آن‌ها مؤدبانه برخورد کردن تا کمک مالی به ایشان در صورت نیاز را شامل می‌شود.

ب) اطاعت از والدین: در روایات دستور به اطاعت از پدر و مادر داده شده است. حضرت علی (ع) در این باره فرمودند: " فَحَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَلَدِ أَنْ يُطِيعَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ، إِلَّا فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ؛ حق پدر بر فرزندان این است که در همه چیز جز در معصیت خداوند سبحان از وی اطاعت کنند. " (سید رضی، بیتا) ظاهر این است که حقی را که امام علیه السلام به این گستردگی دربارهٔ پدران فرموده اعم از واجب و مستحب است و به تعبیر دیگر، در مواردی اطاعت واجب است و آن جایی است که اگر ترک کند سبب اذیت و آزار می‌شود و منجر به عقوبت پدر می‌گردد اما مواردی هست که اگر اطاعت نکند پدر اذیت نمی‌شود. در این جا مستحب است که فرزند به امر پدر احترام بگذارد و اطاعت کند. (مکارم شیرازی، بیتا)

بنابراین باید فرزندان در غیر اموری که معصیت پروردگار است از پدر و مادر خود اطاعت کنند و بدین وسیله اسباب خشنودی و رضایت خداوند را نسبت به خودشان فراهم کنند.

جمع‌بندی:

همان‌طور که گفته شد اسلام برای ازدواج اهداف و آثاری بیان کرده است. برای تحقق این اهداف، همه اعضای خانواده، مسئولیت‌های ویژه یا مشترکی دارند و باید روابط خود با سایر اعضا را به گونه‌ای تنظیم کنند که تا حد توان به اهداف و آثار موردنظر اسلام در خانواده، دست یابند و در واقع در این مقاله به ارکان خانواده در اسلام پرداخته است.

یکی از موضوعاتی که در ارکان خانواده به آن توجه می‌شود حقوق مشترک زن و شوهر است که به برخی از این حقوق اشاره می‌کنیم.

1) برخورداری از اخلاق خوش: در این خصوص امام سجاد (ع) می‌فرماید: "و وجب ان يحسن صحبة نعمة الله و يكرمها و يرفق بها." بر تو واجب است در معاشرت با او خوش‌رفتاری و رفق پیشه کنی. همان‌طور که از این روایت برمی‌آید حضرت داشتن اخلاق نیکو در برابر همسر را مخصوص به مرد یا زن به‌تنهایی نمی‌کند بلکه هر دوی آن‌ها را موظف به داشتن رفتار خوب با همسر می‌نمایند.

در ذیل بحث خوش‌اخلاقی نیز آثار نیکویی از جمله جلب محبت سایرین، نزدیک‌تر شدن به خداوند، ماندگاری سایر نیکی‌ها، اثرگذاری در دیگران و... دارد که ضرورت داشتن اخلاق خوش را در خانواده بیان می‌کند.

2) حفظ عفت: در اینجا قرآن کریم برای حفظ کیان خانواده و مستحکم شدن پایه‌های آن، راهکارهای جداگانه‌ای را به زنان و مردان می‌دهد تا با رعایت آن‌ها حریم عفت خانواده مصون بماند.

از جمله این راهکارهایی که خطاب به مردان در آیه 31 سوره مبارکه نور⁹ اشاره شده است؛ حفظ نگاه و حفظ دامان توسط مردان است.

راهکارهایی که در آیه 32 سوره مبارکه نور¹⁰ خطاب به زنان آمده است عبارت‌اند از: پوشاندن زیورات خود از دید نامحرم، پوشاندن برآمدگی سینه با مقنعه، جلب توجه نکردن هنگام راه رفتن و...

در نتیجه با اجرای این دستورات قرآنی باید زن و مرد هر چه بیشتر عفت خود را حفظ و موجبات مستحکم‌تر شدن پایه‌های زندگی مشترکشان را فراهم سازند.

⁹ آیه 31 سوره نور، قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ بَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ.
¹⁰ آیه 32 سوره نور، وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ بَعْضُنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لِيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لَا يَبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوْ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولَى الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوْ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَى عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَ لَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَ تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعاً أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.

حفظ عفت در زندگی مشترک آثارهایی از جمله حفظ انسان از سایر پستی‌ها، حفظ عفت متقابل زن و شوهر، تاثیر در زندگی اجتماعی و... دارد.

3 رعایت آراستگی ظاهری مقابل یکدیگر: در روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده ایشان فرمودند: "لِيَتَهَيَّأَ أَحَدُكُمْ لِزَوْجَتِهِ كَمَا يُحِبُّ أَنْ تَتَهَيَّأَ لَهُ؛ هر شوهری موظف است نسبت به همسرش آراستگی نماید، به همان‌گونه که دوست دارد همسرش را با آن قیافه ببیند."

با توجه به روایتی که از پیامبر (ص) نقل شده است، می‌توان فهمید که رعایت آراستگی فقط به زنان اختصاص ندارد بلکه مردان نیز باید به این امر مهم توجه و آن را رعایت کنند. در رعایت آراستگی به مواردی مثل استفاده از عطر و بوی خوش، پاکیزگی و بهداشت شامل مسواک زدن، حمام کردن، از بین بردن موهای زاید بدن؛ باید توجه شود. ارضای نیازهای جنسی یکدیگر نیز یکی از اصلی‌ترین انگیزه‌های تشکیل خانواده است که اهمیت بسیار زیادی دارد که در روایات به آن توجه بسیاری می‌شود.

به عنوان نمونه رسول خدا (ص) خطاب به زنان فرمودند: "لَا تُطَوِّلْنَ صَلَاتَكُنَّ لِتَمْنَعَنَّ أَزْوَاجَكُنَّ؛ اگر شوهران از همسران خود درخواست جنسی نمایند، زنان چنانچه در حال نماز باشند، نباید آن را طولانی کنند." یکی دیگر از موضوعات موردتوجه در بحث ارکان خانواده، حقوق اختصاصی زن، حقوق اختصاصی شوهر و حقوق فرزندان می‌باشد که هر کدام را به اختصار توضیح می‌دهیم.

یکی از حقوق اختصاصی زن، حقوق مالی از جمله حق دریافت مهریه، حق دریافت نفقه و حقوق اختصاصی شوهر نیز خروج زن از منزل با اذن شوهر و مدیریت خانواده می‌باشد. در حقوق فرزندان به حقوق اخلاقی و معنوی فرزندان اشاره می‌کنیم: گذاردن نام نیک بر فرزند، تلاش در جهت تربیت دینی نیکو، تامین نیازهای عاطفی فرزندان از جمله نگاه بامحبت به فرزند، بوسیدن فرزند و به ازدواج درآوردن فرزندان در سن بلوغ می‌باشد همچنین حقوق مادی فرزندان نیز شامل غذا، مسکن، لباس، بهداشت، طبابت و... می‌باشد.

حقوق والدین نیز یکی دیگر از موضوعات موردتوجه در ارکان خانواده است که شامل احسان به پدر و مادر و اطاعت از والدین می‌باشد و در آیات و روایات نیز به آن توجه شده است؛ به عنوان نمونه در روایتی آمده است که مردی از پیامبر (ص) پرسید که حق پدر بر فرزندش چیست؟ ایشان فرمودند: "مَا حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى وَلَدِهِ قَالَ لَا يُسْمِيهِ بِاسْمِهِ وَ لَا يَمْشِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ لَا يَجْلِسُ قَبْلَهُ وَ لَا يَسْتَسَبُّ لَهُ، او را به اسم نخواند، و در راه رفتن پیشاپیش او نرود در نشستن پیش روی او ننشیند کاری نکند که مردم به پدرش ناسزا گویند."

نتیجه‌گیری:

موضوع این نوشتار ارکان خانواده بود و در آن به ارکان خانواده که پدر، مادر و فرزندان هستند اشاره شد سپس حقوقی که هر کدام بر عهده دیگری دارند بیان شد. از قبیل: حقوق مشترک زن و شوهر برهم دیگر که شامل: برخورداری از اخلاق خوش، حفظ عفت، رعایت آراستگی ظاهری مقابل هم و ارضای نیازهای جنسی یکدیگر شد.

حقوق اختصاصی زن هم که همان حقوق مالی وی می‌باشد شامل حق نفقه و حق مهریه شد و حقوق اختصاصی مرد حق خروج زن با اذن شوهر از منزل و حق مدیریت خانواده شد.

حقوق فرزندان هم به دو شاخه حقوق اخلاقی و معنوی و حقوق مالی تقسیم گردید که حقوق اخلاقی و معنوی شامل گذاردن نام نیک بر او، تلاش در جهت تربیت دینی او، تامین نیازهای عاطفی او، به ازدواج درآوردنش در سن بلوغ شد.

حقوق پدر و مادر هم شامل احسان به آنها و اطاعت از ایشان گردید؛ بنابر این نوشتار واضح گردید که تمامی افراد خانواده بر یکدیگر حقی دارند که لازمه رسیدن خانواده به کمال و سعادت این است که حقوق یکدیگر را رعایت نمایند.

پیشنهادهای تحقیق:

- 1- بررسی حقوق مادی و معنوی ارکان خانواده در قرآن کریم
- 2- بررسی حقوق مادی و معنوی ارکان خانواده در احادیث ائمه
- 3- بررسی حقوق مادی و معنوی ارکان خانواده در فقه امامیه
- 4- تفاوت‌های حقوق فرزندان دختر و پسر در خانواده از منظر اسلام
- 5- بررسی حقوق فرزندان در خانواده از منظر اسلام
- 6- بررسی حقوق مرد در خانواده از منظر اسلام
- 7- بررسی حقوق زن در خانواده از منظر اسلام
- 8- بررسی مشکلات ناشی از عدم رعایت حقوق همسر
- 9- بررسی تفاوت‌های حقوق ارکان خانواده در احکام فرق اسلام
- 10- بررسی تفاوت‌های حقوق ارکان خانواده در احکام ادیان‌های الهی
- 11- بررسی تفاوت‌های حقوق ارکان خانواده در احکام فرق نوظهور

منابع:

- 1- قرآن کریم
- 2- ایت الهی، زهرا، 1391 ش، اخلاق خانواده، قم، دفتر نشر معارف.
- 3- ابن ابی جمهور، عوالی اللالی
- 4- ابن بابویه، محمد بن علی، 1362 ش، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
- 5- ابن بابویه، محمد بن علی، 1413 ق، من لایحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- 6- احسائی، شیخ محمد بن علی بن ابراهیم (ابن ابی جمهور)، 1403 ه ق، عوالی اللالی، قم، سیدالشهداء.
- 7- بابازاده، علی اکبر، 1375 ش، مسائل ازدواج و حقوق خانواده، اصفهان، بدر.
- 8- حیدری نراقی، علی محمد، 1387 ش، رساله حقوق امام سجاد (ع)، قم، مهدی نراقی.
- 9- خمینی، روح الله، 1378 ش، رساله توضیح المسائل، قم، روح.
- 10- سالاری فر، محمدرضا، 1388 ش، خانواده در نگرش اسلام و روان شناسی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- 11- شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، 1414 ق، وسائل الشیعه، بیجا، آل البيت.
- 12- شیخ طوسی، بیتا، تهذیب الأحکام، بیجا، بینا.
- 13- صافی، احمد، 1386 ش، خانواده متعادل و نامتعادل، تهران، انجمن اولیا و مربیان.
- 14- فتال نیشابوری، محمد بن حسن، 1423 ق، روضه الواعظین، قم، بینا.
- 15- حسن بن فضل طبرسی، رضی الدین، 1370 ش، مکارم الأخلاق، قم، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
- 16- کلینی، محمد بن یعقوب، 1407 ق، الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- 17- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، 14 ه، تفسیر نمونه، بیجا، دارالکتب الاسلامیه.
- 18- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، 1315 ق، بحار الانوار، بیجا، دارالکتب الاسلامیه.
- 19- مکارم شیرازی، ناصر، بی تا، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، بی جا، بی تا.
- 20- محمد بن حسین موسوی، ابوالحسن (سید رضی)، بیتا، نهج البلاغه، بیجا، بینا.
- 21- نوری، حسین بن محمدتقی، بیتا، مستدرک الوسائل، بیجا، آل البيت.
- 22- یوسفیان، نعمت الله، 1387 ش، مدیریت زن در خانواده، قم، زمزم هدایت.

